



10.48315/QGL.2026.560013.1324

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، بهار ۱۴۰۵، صص. ۲۸۰-۲۵۱

شروط مقید به زمان در عقود مستمر از منظر حقوق ایران و مصر

علی پیلوا*

محمد بهمنی**

مجید عباس آبادی***

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

این پژوهش با رویکرد تطبیقی جایگاه و آثار شروط مقید به زمان در عقود مستمر را مورد بررسی قرار داده و با تمرکز ویژه بر قراردادهای اداری و پیمانکاری مانند EPC و BOT در دو نظام حقوقی ایران و مصر چگونگی مواجهه این دو نظام با ریسک‌های مربوط به زمان و نقش قواعد حقوقی در حفظ تعادل اقتصادی و بقای قراردادهای بلندمدت را مورد واکاوی قرار داده است. همچنین چگونگی اثر و مقتضیات زمانی در عقود مستمر و اثر آن در نظم حقوقی و حفظ تعادل قرارداد در دو نظام حقوقی با مبانی متفاوت (فقهی و تلفیقی) مشخص شود. بازخوانی مبانی فقهی و قانونی، آرای قضایی و دکترین موجود در دو کشور در تبیین نقش قراردادهای مستمر دولتی حاکی از آن است که در حقوق ایران، رویکردی ثبات‌گرا و الزام‌محور، مبتنی بر فقه امامیه، منجر به سلسله‌مراتب سخت‌گیرانه، عدم امکان تعدیل قضایی وجه التزام و در نهایت تمایل به فسخ کلی در مواجهه با بحران‌های کلان (مانند تورم شدید) می‌شود که پیامد آن افزایش فزاینده دعاوی و تهدید ثبات پروژه‌های ملی است. در مقابل، حقوق مصر با اتخاذ رویکردی اجرایی و عدالت‌محور و با بهره‌گیری از قواعدی مانند تعدیل مرقع (ماده ۱۴۷ قانون مدنی) و تعدیل قضایی وجه التزام ابزارهای انعطاف‌پذیری مانند تعدیل مهلت‌ها، فسخ جزئی و حفظ بقای قرارداد را در اولویت قرار داده و تعادل پویاتری بین لزوم عقد و انصاف برقرار کرده است. با استفاده از تجارب کشور مصر و در چارچوب ظرفیت‌های فقهی و حقوقی مانند (قواعد لاضرر، عسر و حرج و...) امکان تعدیل حداکثر ۲۵ درصدی شروط زمانی در مواد ۲۹ و ۳۰ «شرایط عمومی پیمان» و یا قانون معاملات دولتی امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی

شروط مقید به زمان، عقود مستمر، قانون مدنی مصر، قراردادهای دولتی و اداری، نظام حقوقی ایران.

* گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. alipilva_jurist1977@yahoo.com

** گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohamadbahmani@iauctb.ac.ir

*** گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Maj.abasabadi@iauctb.ac.ir

مقدمه

در نظام‌های حقوقی معاصر، شرط به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم تنظیم اراده طرفین عقد، نقشی تعیین‌کننده در انعطاف‌پذیری و کارآمدی روابط قراردادی دارد. از سوی دیگر، در عقود که ماهیت آن‌ها استمرار در اجرا و تداوم تعهد است، بُعد زمانی از اهمیتی ویژه برخوردار می‌شود؛ زیرا تحقق هدف عقد در این‌گونه عقود همواره به گذر زمان و استمرار تعهدات بستگی دارد. شروط مقید به زمان - اعم از شروطی که آغاز، استمرار (مانند زمان‌بندی اجرای تعهدات) یا انقضای آثار عقد را در بازه زمانی خاصی قرار می‌دهند - پایه و رکن عقود مستمر محسوب می‌شوند و تأثیر مستقیم بر ثبات قراردادی و پیشگیری از انحلال قرارداد در اثر تحولات ناگهانی دارند. اهمیت این شروط در قراردادهای کلان دولتی مانند EPC^۱ و BOT^۲ دوچندان است؛ زیرا مدیریت ریسک‌های زمانی، عامل بقای پروژه‌های زیرساختی عظیم و حفظ پایداری اقتصادی و تعادل حقوق و تعهدات طرفین به‌شمار می‌آید. در حقوق ایران، اعتبار و آثار شروط زمانی در عقود مستمر (به‌ویژه در عقود اجاره، مزارعه، مساقات و نیز عقود مستمر اداری و پیمانکاری) مبتنی بر بحث‌های دقیق فقهی و حقوقی است. در مقابل، حقوق مصر به‌عنوان نظام حقوقی برگرفته از فقه اسلامی و قوانین مدنی متأثر از حقوق فرانسه، دیدگاه‌های خاصی نسبت به محدوده اعتبار شرط و نقش عنصر زمان در عقود مستمر دارد. این نظام حقوقی که می‌توان آن را «نظام حقوقی تلفیقی» نامید، در عین تأثیرپذیری از حقوق مدنی غرب، مبانی خود را بر فقه اسلامی استوار ساخته است. این رویکرد دوگانه، عاملی کلیدی در انعطاف‌پذیری نظام حقوقی این کشور به‌ویژه در خصوص تعدیل شروط مالی و زمانی قرارداد به‌شمار می‌آید. بر این اساس، بررسی تطبیقی این موضوع از یک‌سو بیانگر آن است که تا چه اندازه مفاهیم سنتی شرط و زمان در بستر روابط قراردادی نوین قابلیت انطباق دارند و از سوی دیگر، چگونه می‌توان از آن‌ها برای ایجاد تعادل میان اصل حاکمیت اراده و ضرورت حمایت از استمرار تعهدات استفاده کرد.

۱. Engineering, Procurement, and Construction.

یک نوع قرارداد پیمانکاری به معنای مهندسی، تأمین کالا و ساخت است که در پروژه‌های صنعتی، زیرساختی و بزرگ کاربرد دارد.

۲. Build-Operate-Transfer

قراردادهای ساخت، بهره‌برداری و واگذاری قراردادهای امتیاز - واگذاری بلندمدت عموماً برای توسعه زیرساخت‌ها (مانند بندرها، نیروگاه‌ها، آزادراه‌ها) منعقد می‌شوند. در این قراردادهای، شرط زمان، عمر پروژه و حق بهره‌برداری سرمایه‌گذار را تعیین می‌کند و از این‌رو حیاتی‌ترین شروط قراردادی است.

۱. تعریف و ماهیت عقد مستمر

عقد مستمر عقدی است که اجرای تعهدات و آثار آن به محض انعقاد محقق نمی‌شود، بلکه باید به صورت تدریجی و پیوسته در طول مدت معین انجام پذیرد و اجزای مورد آن در اجزای زمان تحقق پیدا می‌کنند (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ج ۱، ۸۴؛ شهیدی، ۱۳۸۴: ۹۵). در این عقود، یکی از طرفین یا هر دو ملزم به اجرای تعهدات مستمر یا مکرر در زمان‌های مختلف پیش‌بینی شده هستند (امیری قائم‌مقامی، ۱۳۵۳: ج ۲، ۸۷). بدین ترتیب آنچه موجب تفکیک قراردادهای مستمر از سایر انواع عقود می‌شود، حضور فعال عامل زمان در مرحله اجرای تعهدات است؛ به گونه‌ای که استمرار رابطه قراردادی در طول زمان، ذات و جوهر این عقود را تشکیل می‌دهد.

۱-۱. تعریف عقد مستمر در حقوق مصر

حقوق مصر نیز عقد مستمر را عقدی می‌داند که زمان در آن عنصر اصلی و رکن اساسی است، به گونه‌ای که موضوع عقد را معین می‌کند و عقد مستمر مجموعه‌ای به هم پیوسته از الزامات متعدد قلمداد می‌شود که به موجب یک انشای واحد ایجاد شده‌اند (الفجال، ۲۰۲۰: ۶۷).

۱-۲. تفاوت عقد مستمر با عقد مؤجل و معلق

عقود مستمر با عقود مؤجل (مدت‌دار) و معلق که هر دو به بعد زمانی اجرای تعهدات مربوط‌اند، شباهت دارند؛ زیرا تعهدات آن‌ها به محض انعقاد پایان نمی‌پذیرند. در عقد مؤجل، زمان صرفاً وقت اجرای عقد را مشخص می‌کند و اثری عرضی دارد؛ بدین معنا که هر جزء از موضوع در زمان معینی اجرا می‌شود، اما مقیاس موضوع عقد زمان نیست و از نظر تحلیلی، عقد مؤجل همچنان فوری محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۴۲). در مقابل، در عقد مستمر، زمان جوهر تعهد را تشکیل می‌دهد.

۱-۳. ویژگی‌های اصلی عقود مستمر در برابر عقود آنی

قراردادهای مستمر، همانند قراردادهای آنی، از حیث شرایط انعقاد و تشکیل تابع قواعد عمومی قراردادها هستند و برای صحت آن‌ها باید تمامی شرایط اساسی مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی رعایت شود.^۱ با این حال، تفاوت بنیادین آن‌ها در مرحله اجراست. در عقود مستمر، اجرای تعهدات

۱. قصد و رضایت طرفین: توافق باید با نیت واقعی و رضایت کامل متعاملین صورت گیرد. ۲. اهلیت قانونی طرفین: هر یک از طرفین باید اهلیت و صلاحیت لازم برای انجام معامله را داشته باشند. ۳. موضوع معین معامله: مورد معامله باید روشن، معین و قابلیت تملک یا انجام را داشته باشد. ۴. مشروعیت جهت معامله: هدف و جهت قرارداد باید مشروع و مطابق با مقررات قانونی باشد.

در طول زمان ادامه می‌یابد و موضوع عقد (مانند انتفاع تدریجی) وابسته به سپری شدن مدت معین است، در حالی که عقود آنی باید به فوریت انجام گیرند. برخی از مهم‌ترین مصادیق عقود مستمر عبارت‌اند از: اجاره، جعاله، شرکت، بیمه، وکالت، مزارعه، مساقات و مضاربه. در مقابل، از مهم‌ترین مصادیق عقود فوری می‌توان به قرض، هبه، صلح و رهن اشاره کرد.

۲. مفهوم و اقسام شروط مقید به زمان

زمان در حوزه حقوق تعهدات، از جمله قیود و عوارض تعهد محسوب می‌شود و ماهیتی عرضی دارد؛ به این معنا که وصفی از تعهد است که بر آن عارض می‌گردد. در رویکردی حقوقی، اجل وصفی خارج از ذات تعهد تلقی شده و از ارکان تعهد به‌شمار نمی‌آید؛ اما این معنا در تمامی موقعیت‌ها صادق نیست و در مواردی خاص، ممکن است زمان از حد وصف صرف فراتر رفته و به رکن معامله تبدیل شود. برای تشخیص این دو وضعیت، باید میان «وصف بودن» و «قید بودن» زمان تفکیک قائل شد. اگر زمان تنها در مقام وصف در قرارداد ذکر شود، در این حالت تنها زمان تأخیر یا تعجیل در اجرای تعهد یا دین را مشخص می‌کند (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۱۹)؛ وجود دین و تعهد مستقل از وجود زمان است و زمان وصفی خارج از ذات و ماهیت تعهد یا دین است و طبیعتی عرضی دارد. دلیل آن‌هم استناد به اصل حال بودن دین است که هم از ماهیت دین و هم از قواعد حقوقی قابل استنباط است؛^۱ یعنی اصل بر این است که دین به محض ایجاد، قابل مطالبه است، مگر آن که وصف زمان آن را موقتاً به تأخیر اندازد. اما اگر زمان در مقام قید (شرط مقید به زمان) در قرارداد لحاظ شود، در این فرض تعهد و مطلوبیت آن ذاتاً به زمان خاصی گره خورده و این زمان تبدیل به رکن تعهد شده است. این امر زمانی محقق می‌شود که زمان به نحو قیدیت در نظر گرفته شده باشد، به طوری که اجرای تعهد مستقیماً و ذاتاً وابسته به آن زمان خاص باشد. (محسنی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). در این حالت، انتفای قید (زمان) منجر به انتفای مقید (تعهد) خواهد شد، زیرا زمان نه صرفاً ظرف اجرای تعهد، بلکه جزئی از موضوع تعهد محسوب می‌شود. بدین ترتیب با انقضای زمان، موضوع تعهد منتفی شده و امکان الزام متعهد به اجرای آن در زمانی دیگر وجود ندارد؛ زیرا غرض اصلی متعهد له محقق نخواهد شد. در این موارد، زمان نه صرفاً ظرف، بلکه جزئی از هویت تعهد است.

۲-۱. مبانی نظری (وحدت و تعدد مطلوب) و ضمانت اجرای شرط

به طور کلی شرط در مبانی حقوقی بر دو نوع شرط صحت و شرط ضمن عقد است که شرط ضمن عقد، ماهیتی مستقل از موضوع اصلی عقد دارد و انتفای آن موجب بطلان یا عدم اعتبار عقد نمی‌شود.

۱. طبق اصل ۳۴۴ قانون مدنی اصل بر حال بودن دین است و تعهد بلافاصله قابل مطالبه خواهد بود.

با استناد به نظریه تعدد مطلوب و اصل بودن مورد معامله و فرع بودن شرط، انتفای شرط، برخلاف نظریه وحدت مطلوب، انفساخ قرارداد را در پی ندارد. ضمانت اجرای انتفای شرط، تزلزل عقد و ایجاد حق خیار (فسخ) برای مشروط له است، مگر آنکه اوضاع و احوال یا تصریح طرفین، حکم دیگری را اقتضا کند (باریک‌لو، ۱۳۹۳: ۴۹).

۲-۲. نظریه وحدت و تعدد مطلوب در تشخیص ماهیت شرط

شروط مقید به زمان و قیدهایی مانند فوریت، در فقه و حقوق، حول محور تمایز میان وحدت مطلوب و تعدد مطلوب مطرح می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۴). وحدت مطلوب به معنای آن است که مقصود، انجام فعل محدود و مقید به همان زمان خاص است، به طوری که اگر فعل در آن زمان مشخص انجام نشود، غرض اصلی حاصل نشده است (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱۸). در اینجا، زمان به منزله رکن محسوب می‌شود. تعدد مطلوب، مطلوبیت را بر دو بخش تقسیم می‌کند: یکی ذات فعل و دیگری قید یا وقت معین آن. اگر فعل در زمان معین انجام نشود، تنها مطلوب فرعی (قیدیت زمانی) فوت شده و مطلوب اصلی (ذات فعل) همچنان باقی می‌ماند (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱۸). در تمامی مواردی که قرینه‌ای بر مقصود طرفین وجود ندارد، در نظام حقوقی ایران، اصل بر تعدد مطلوب است.

۲-۳. تفکیک شروط زمانی از شرط معلق

تمایز بنیادین میان اجل (قید زمانی) و شرط معلق حول محور قطعیت وقوع واقعه آینده است. اجل، واقعه‌ای در آینده است که وقوع آن حتمی و قطعی است، حتی اگر زمان وقوع آن نامعین باشد (مانند فوت). در مقابل، شرط معلق، واقعه‌ای احتمالی و غیر حتمی است (مانند قبولی در آزمون). این تفاوت در ماهیت، دارای دو اثر حقوقی کاملاً متفاوت زیر است:

الف: در نظام حقوقی ایران از آنجا که اجل حتمی است، سخن از عدم وقوع آن معنا ندارد؛ اما در شرط معلق، عدم تحقق واقعه، مستقیماً منجر به زوال اثر عقد یا عدم ایجاد آن می‌شود. در عقود مستمر، شروط مقید به زمان ماهیتی نزدیک به اجل دارند و هدف آن‌ها صرفاً تأثیر بر نحوه اجرای تعهد است، نه بر وجود و انشای عقد (برخلاف شرط معلق). لذا عدم تحقق این شروط لزوماً به بطلان یا انفساخ کل عقد منجر نمی‌شود، مگر آن که به طور صریح و در قالب شرط فاسخ درج شده و به نحو وحدت مطلوب مدنظر طرفین قرار گرفته باشد (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱۹).

ب: در نظام حقوقی مصر، اجل هرگز بر انشای عقد تأثیر نمی‌گذارد و عقد همواره منجز است؛ اجل صرفاً زمان اجرای تعهد را به تأخیر می‌اندازد؛ اما شرط معلق مستقیماً بر آثار عقد تأثیر دارد و اثر عقد را به حالت تزلزل و تعلیق درمی‌آورد. به عبارت دیگر، اجل حق را از نظر وجود کامل می‌داند.

این اثر حقوقی طبق ماده ۲۷۱ قانون مدنی مصر^۱ تنها نفاذ آن را به آینده موکول می‌کند. علاوه بر این، ماده ۲۷۲ قانون مدنی مصر^۲ به صورت خاص، به وضعیتی می‌پردازد که در آن مدیون تعهد خود را مقید به توانایی مالی یا میسر (مقدره او المیسره)^۳ کرده باشد؛ در این حالت، قاضی مأمور است تا با توجه به منابع مالی فعلی و آتی مدیون، مهلتی مناسب (نظره المیسره) برای حلول اجل و اجرای تعهد تعیین کند. این حکم، حکم عام در خصوص عدم تعیین زمان توسط متعاقدين نیست، بلکه ناظر به قید خاص تمکن مالی است.

۳. قرارداد پیمانکاری دولتی: مفاهیم و ماهیت حقوقی

قرارداد پیمانکاری از نظر لغوی ترکیبی نامتجانس است^۴ (معین، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۳). پیمانکاری یعنی مقاطعه کاری، یعنی تعهد به انجام کاری برای دولت یا شخص در برابر اجرت، بر اساس قرارداد و صورت جلسه مناقصه که عمدتاً در ساختمان، راه‌ها، پل‌ها و ابنیه به کار می‌رود (بهشتی، ۱۳۸۴: ۳۱). این نوع قرارداد را می‌توان به «پیمانکاری عمومی/دولتی» (با طرف دولتی یا نهادهای عمومی مانند شهرداری و...) و «پیمانکاری خصوصی» (بین افراد حقیقی یا شرکت‌های خصوصی) تقسیم کرد. عملیات پیمانکاری نیز به رشته‌های عمومی و اختصاصی قابل تقسیم است. از نظر ماهیت حقوقی، قرارداد پیمانکاری در شمار قراردادهای تجاری-مدنی یا اداری قرار گرفته است. این قرارداد در شمار عقود معین قرار نمی‌گیرد، زیرا پیچیدگی روابط طرفین (کارفرما و پیمانکار) و شرایط خاصی مانند اجرای طبق مشخصات فنی تحت نظارت، پرداخت بر اساس صورت وضعیت موقت، تعلیق کار، تحویل موقت-قطعی، دوره تضمین، تعدیل بهای واحد و... آن را با هیچ عقد معینی منطبق نساخته است (ضیایی، ۱۳۸۴: ۱۹۴). قرارداد پیمانکاری نه عقد مختلط (ترکیب چند انشا در یک سند) است، بلکه عقد نامعین در چارچوب ماده ۱۰ قانون مدنی به شمار می‌رود که بر پایه حاکمیت

۱. المادة (۲۶۵): يكون الالتزام معلقاً على شرط إذا كان وجوده أو زواله مترتباً على أمر مستقبل غير محقق الوقوع و المادة (۲۷۱): ۱- يكون الالتزام لأجل إذا كان نفاذه أو انقضاؤه مترتباً على أمر مستقبل محقق الوقوع. ۲- ويعتبر الأمر محقق الوقوع متى كان وقوعه محتملاً، ولو لم يعرف الوقت الذي يقع فيه.

۲. المادة (۲۷۲): إذا تبين من الالتزام أن المدين لا يقوم بوفائه إلا عند المقدرة أو الميسرة، عين القاضي مياعداً مناسباً لحلول الأجل، مراعيًا في ذلك موارد المدين الحالية والمستقبلية، ومقتضياً منه عناية الرجل الحرص على الوفاء بالتزامه

۳. عبارت «مقدرة أو الميسرة» (به صورت «عند المقدرة أو الميسرة») یک اصطلاح حقوقی در قانون مدنی مصر است که در ماده ۲۷۲ این قانون آمده است. این اصطلاح به معنای این است که طرفی که به او بدهکار هستید، نمی‌تواند از حق حبس استفاده کند، مگر در صورتی که طرف دیگر بتواند بدهی خود را پرداخت کند؛ بنابراین حق حبس، برای طرفی که نتوانسته بدهی خود را بپردازد، تضمین کننده است.

۴. پیمان و قرارداد هر دو به معنای تعهد است.

اراده طرفین شکل گرفته است (زمانی، ۱۳۸۵: ۲۱۲). فایده تفکیک عقود معین از نامعین این است که در عقود معین، ابهام یا سکوت با آثار قانونی پیش‌بینی شده رفع می‌شود و قانون جانشین اراده طرفین می‌گردد؛ اما در عقود نامعین، دادرس ابتدا قصد مشترک طرفین را کشف می‌کند و در صورت ناتوانی، از قواعد کلی مانند حمل الفاظ بر معانی عرفی، حکومت تعهدهای اصلی بر فرعی، اصل صحت و اصل براءت برای تفسیر استفاده می‌نماید (زمانی، ۱۳۸۵: ۲۱۲).

قرارداد پیمانکاری طبق مواد ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی، قراردادی لازم است که جواز فسخ آن در گرو قواعد خاصی است. در دفترچه شرایط عمومی پیمان (حاکم بر قراردادهای دولتی) طبق ماده ۴۶ آن، فسخ این قرارداد به ۱۵ مورد محدود شده است (میرعباسی، ۱۳۹۰: ۹۲). اگر پیمانکاری را قرارداد اداری بدانیم، در این صورت قراردادی است که سازمان اداری (نماینده‌اش) با شخص حقیقی/ حقوقی برای عمل - خدمت منافع عمومی، بر اساس احکام خاص (نوعاً ترجیحی/ امتیازده - حمایتی) منعقد می‌کند و اختلافاتش (در تعبیر، تفسیر، اجرا) در صلاحیت دادگاه‌های اداری است (انصاری، ۱۳۹۰: ۶۰).

پیمانکار، شرکت تجاری یا فرد حقیقی است که طبق شرایط عمومی پیمان به‌عنوان چهارچوب کلی برای قراردادهای پیمانکاری (حقوق، تکالیف، مسئولیت‌های کارفرما - پیمانکار) مشخص شده است و بر اساس ماده ۲۳ قانون برنامه‌بودجه (مصوب ۱۳۵۱) طرفین ملزم به ضمیمه آن به قرارداد هستند. این شرایط مقررات قانونی نیست، بلکه متن قراردادی پیشنهادی است؛ اما در عمل و رویه قضایی به‌عنوان مقررات قانونی تلقی و استناد می‌شود، هرچند استدلال حقوقی آن ضعیف است (فروچی، ۱۳۸۹: ۵۹). در حقوق ایران، قراردادهای دولتی طیف وسیعی دارند: برخی (اجاره، رهن، خرید کالا، حمل و نقل) مانند قرارداد خصوصی و مشمول قانون مدنی و مقررات خاص هستند؛ اما برخی (استخدامی، امتیاز، پیمانکاری عمومی - اداری) ویژگی‌های خاص داشته، از شمول برخی قواعد مدنی خارج و مشمول نظارت قانون محاسبات عمومی می‌شوند (اعلایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۵۷). طبق مقررات معاملات دولتی، ادارات - مؤسسات عمومی پیش‌بینی‌های لازم را در قرارداد می‌گنجانند و به‌طور معمول دفترچه مشخصات (یک‌جانبه توسط دولت، بدون تغییر، امضا و ضمیمه قرارداد) شرایط کار، روابط پیمانکار - اداره و تعهدات به‌نفع غیر (مانند کارگران) را معین می‌کند و پیمانکار ملزم به رعایت آن است (سنجایی، ۱۳۴۲: ۲۲۸-۲۳۰).

۳-۱. مسئولیت و ضمانت‌اجراهای ناشی از نقض شروط زمانی

در حقوق ایران، دفترچه شرایط عمومی پیمان اصولاً از تقصیر یا اراده کارفرمای دولتی (به‌جز دو مورد استثنایی) سخنی نگفته است؛ به‌طوری‌که تأخیر در پرداخت‌های کارفرما فاقد جریمه است.

با این حال، در موارد سکوت این مقررات، پیمانکار حق استیفای حقوق خویش را از طریق محاکم عمومی و بر مبنای الزامات قراردادی قانون مدنی داراست (امامی و استوارسنگری، ۱۳۷۶: ۸۲). در مقابل، تقصیر پیمانکار در قراردادهای دولتی علاوه بر مسئولیت مدنی (قانون مدنی)، ضمانت‌اجراهای سنگین‌تری را در پی دارد مانند جریمه تأخیر، اجرای امانی (با حفظ قرارداد)، یا فسخ و انحلال بر اساس ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان. در موارد تعارض، مقررات شرایط عمومی بر قواعد مدنی مقدم است و مسئولیت پیمانکار را تشدید می‌کند. جبران خسارت تابع قواعد کلی است، مگر مقررات الزام‌آور شرایط عمومی (با این ملاحظه که ماده ۴۶ جنبه قراردادی دارد). پرداخت خسارات قراردادی دولت از بودجه عمومی طبق ماده ۱۹ قانون محاسبات عمومی (تعهد ناشی از احکام قضایی یا قراردادهای مجاز است، اما خسارات ناشی از تشخیص نادرست مسئول اجرایی باید از درآمد شخصی وی جبران شود، نه از اعتبارات دولتی) (محسنی، ۱۳۷۸: ۱۲۵). پیمانکاران در پروژه‌های بزرگ ساختمانی نقش کلیدی در پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دارند. یکی از مشکلات اصلی این پروژه‌ها، تأخیر در تحویل نسبت به زمان پیش‌بینی شده است. موفقیت پیمانکار در اجرای به‌موقع پروژه‌های عمرانی (به‌عنوان یکی از معیارهای شایستگی) وابسته به توان مالی، نیروی انسانی متخصص، تجهیزات و ماشین‌آلات به‌روز است. مهم‌ترین تقصیرات پیمانکار در ایجاد تأخیر عبارت‌اند از: عدم تحویل به‌موقع کارگاه توسط کارفرما (گاهی عامل مشترک)، عدم تأمین به‌موقع تجهیزات، ماشین‌آلات و ابزار و... هر یک از این عوامل می‌تواند منجر به تأخیر شود و گاهی با حوادث قهریه یا تقصیر کارفرما همراه باشد. در حقوق ایران، تعدیل قضایی به دلیل امور غیرقابل پیش‌بینی پذیرفته نیست، هرچند برخی آرای فقهی بر قواعد لاضرر و عسر و حرج استوار است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۳۹۱). دستگاه دولتی می‌تواند ضمانت‌اجراهای مالی (جریمه و غرامت) و غیرمالی (فسخ یا الزام به اجرا) برای جلوگیری از تخلفات (تأخیر یا عدم اجرا) پیش‌بینی کند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۳۹۰). طبق قوانین ایران و بند ۶ ماده ۲ آیین‌نامه سابق معاملات دولتی، تأخیر جزئی یا کلی منجر به جریمه می‌شود (سنجابی، ۱۳۴۲: ۲۳۲؛ طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۳۹۲). در صورت نقض شروط زمانی توسط پیمانکار، طبق ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان، جریمه روزانه تأخیر اعمال می‌شود و امکان سپردن پروژه به‌صورت امانی یا به شخص ثالث با هزینه پیمانکار نیز وجود دارد. در موارد بحرانی نیز طبق مواد ۳۴ و ۳۵ پیمان، قرارداد فسخ می‌شود. از دیگر مواردی که موجب تأخیر در پروژه‌های پیمانکاری می‌شود، تهیه و تنظیم نکردن صورت‌وضعیت (که نشان‌دهنده انجام کار و کیفیت آن است) در موعد مقرر و طبق برنامه است که از تقصیرات پیمانکار محسوب می‌شود و جریمه و انتقال پروژه یا فسخ قرارداد را به دنبال دارد.

۳-۲. ماهیت و آثار حقوقی زمان در عقود مستمر در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، مفهوم قیدیت زمانی (اجل) ماهیتی عرضی داشته و به عنوان وصفی از تعهد محسوب می شود؛ به طوری که طبق مواد ۲۱۹ و ۱۰ قانون مدنی، اصل لزوم قراردادهای آزادی طرفین را در تعیین زمان اجرای تعهدات خود تضمین می کند. در مواردی که طرفین زمانی برای اجرای تعهد (مانند تأدیه ثمن) تعیین نکرده باشند، طبق اصل مندرج در ماده ۳۴۴ قانون مدنی، اصل بر حال بودن دین است و تعهد بلافاصله قابل مطالبه خواهد بود. باین حال، زمان صرفاً یک وصف نیست و در برخی موقعیت های ویژه از حد وصف فراتر رفته و به رکن صحت معامله یا قید تبدیل می شود؛ مانند عقد اجاره که طبق ماده ۴۶۸ قانون مدنی، عدم تعیین مدت موجب بطلان عقد است یا در تأسیس خیار شرط، طبق ماده ۴۰۰ قانون مدنی، زمان مقوم حق فسخ است؛ به گونه ای که عدم تعیین مدت برای آن، هم شرط و هم خود بیع را باطل می کند. این امر نشان می دهد که زمان در حقوق ایران، با توجه به نوع عقد و قید، نقش متفاوتی از یک وصف صرف تا رکن ماهیتی ایفا می کند.

در عقد اجاره به عنوان قسمی از عقود مستمر، شرط مقید به زمان از ماهیت صرفاً عرضی فراتر می رود؛ زیرا مورد معامله در این عقود که انتقال منفعت است، با استناد به ماده ۴۶۸ قانون مدنی، به صورت ذاتی با قید مدت معین گره خورده است. در واقع در این موارد، زمان نه تنها ظرف اجرای تعهد، بلکه جزئی از هویت موضوع عقد تلقی می شود که فقدان آن منجر به جهل به مورد معامله و غرری شدن قرارداد می گردد. این ماهیت، کاملاً منطبق با نظریه وحدت مطلوب است؛ یعنی مطلوبیت منفعت، صرفاً به شرط محدود و مقید بودن به زمان خاص حاصل شده است (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱۸). بدین ترتیب، زمان در عقود مستمر، به رکن صحت ماهوی تبدیل می شود و عدم ذکر آن، برخلاف اصل تعدد مطلوب در موارد شک، مستقیماً بطلان عقد را در پی دارد (محمدی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۴). تقسیم عقود به آنی (فوری) و مستمر (مدت دار)، یک تقسیم بندی حقوقی نوین است که در فقه سنتی امامیه سابقه مشخصی ندارد و عمدتاً از حقوق رومی - ژرمنی (به ویژه حقوق فرانسه) وارد نظام های حقوقی معاصر، از جمله حقوق ایران و مصر شده است (وکیلی مقدم، ۱۴۰۱: ۳۰۵؛ السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۵، بند ۱۱۷). تفاوت کلیدی این دو نوع عقود در نقش ماهوی زمان است. در عقود فوری، زمان صرفاً ظرف ایفای تعهد است که در ماهیت طبق ماده ۳۴۴ قانون مدنی قابل تجزیه نیست.^۱ در عقود مستمر، زمان جزء مقوم و سازنده (رکن ماهوی) موضوع عقد محسوب شده و معیار

۱. اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تادیه قیمت موعدی معین نگشته باشد بیع قطعی و ثمن حال محسوب است مگر این که بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجارتي وجود شرطی یا موعدی معهود باشد اگرچه در قرارداد بیع ذکر نشده باشد.

تحدید تعهد در طول زمان است؛ به گونه‌ای که عدم تعیین مدت در آن مانند اجاره طبق ماده ۴۶۸ قانون مدنی به بطلان ماهوی عقد می‌انجامد (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱۹). این تمایز، آثار حقوقی زیر را به دنبال دارد:

الف: عقود آنی در صورت انحلال، دارای اثر قهقرای (نسبت به گذشته) هستند؛ اما عقود مستمر دارای اثر استقبالی (نسبت به آینده) خواهند بود.

ب: در عقود فوری طبق ماده ۳۷۷ قانون مدنی، حق حبس قابل اعمال است؛^۱ اما در عقود مستمر به دلیل تبادل تدریجی تعهدات، اصولاً موضوعیت ندارد (ملکی اصفهانی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۲۱۸؛ السنه‌وری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۱۸۱؛^۲ محمدی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۴). در عقد مستمر، الزامات به صورتی است که اگر تعهد یک طرف تمام شود، در مقابل طرف دیگر انجام می‌دهد؛ به عنوان مثال در عقد اجاره، در مقابل انتفاع مستأجر در مدت معین، اجرت به اندازه مدت به موجر تعلق می‌گیرد (السنه‌وری، ۲۰۱۱: ج ۱، ۱۶۸).

در منابع فقهی امامیه به طور مشخص «شرط مقید به زمان» بامعنای حقوقی نوین آن مورد بحث فقها قرار نگرفته است، اما این مفهوم را تحت دو عنوان بنیادین «اجل» و «شرط فعل» مورد بحث قرار داده است. در این منابع، تمایز اساسی بین اجل و شرط وجود دارد و زمان به عنوان یک الزام ثانویه یا کیفیت اجرای تعهد که به تبع عقد اصلی ایجاد شده است، مطرح می‌گردد. شروط مقید به زمان در فقه، معمولاً در قالب شرط فعل ظهور می‌یابند. در این حالت، مشروط علیه متعهد می‌شود که یک عمل معین را در یک بازه زمانی مشخص یا قبل از یک تاریخ مشخص انجام دهد. پشتوانه این عمل نیز با استناد به قاعده «المؤمنون عند شروطهم» است (حرعاملی، ۱۴۰۴: ج ۱۵، ۳۰). بدیهی است که عدم انجام فعل در مهلت مقرر، طبق مواد ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون مدنی^۳ برای مشروط له حق فسخ عقد ایجاد خواهد کرد. این حق فسخ به معنای اسقاط صرفاً تعهد اصلی نیست؛ زیرا در منابع فقهی، زمان در شروط مقید به زمان، یک مهلت برای انجام یک تعهد تبعی را تعیین می‌کند که ضمانت اجرای عدم رعایت آن، حق خیار فسخ عقد اصلی است (باریک‌لو، ۱۳۹۳: ۴۹). این حکم ناظر به مواردی است که شرط به نحو تعدد مطلوب باشد.

۱. حق حبس مستلزم همزمانی تعهدات است که ویژگی اصلی عقود آنی است.

۲. العقد الزمّنی تتقابل فیہ الالتزامات تقابلاً تاماً، لا فی الوجود فحسب بل أيضاً فی التنفيذ، فما تم منها فی جانب یتّم ما یقابله فی الجانب الآخر. ففی عقد الايجار الأجرة تقابل الانتفاع، فإذا انتفع المستأجر مدة معينة التزم بدفع الأجرة بقدر المدة التي انتفع فيها. أما فی العقد الفوری فإن التقابل إذا كان تاماً فی الوجود فهو غیر تام فی التنفيذ...

۳. ماده ۲۳۷ قانون مدنی ناظر به شرط فعل مقید به زمان است؛ در این حالت، اگر متعهد در مهلت تعیین شده، فعل را انجام ندهد، مشروط له ابتدا حق رجوع به حاکم برای اجبار به اجرای شرط را دارد و پس از تعذر اجبار، حق فسخ (خیار تخلف از شرط) ایجاد می‌شود.

۳-۳. قواعد تفسیر شروط زمانی در حقوق ایران

اصل بقای قرارداد یک قاعده تفسیری عام در نظام‌های حقوقی است که حکم می‌کند در زمان شک یا ابهام در مفاد، قاضی باید قرارداد را به نحوی تفسیر کند که منجر به صحت، وجود و اجرای عقد شده و از بطلان، فسخ یا انحلال آن جلوگیری کند. در حقوق ایران، اصل بقای قرارداد ریشه در دو قاعده بنیادین «اصل صحت» طبق ماده ۲۳۳ قانون مدنی و «اصل لزوم» طبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی دارد. تأثیر این اصول بر شروط زمانی این است که اگر ابهامی در یک شرط بین تفسیری که منجر به بطلان (مانند جهل به مدت) و تفسیری که به صحت و بقای قرارداد می‌انجامد، وجود داشته باشد، تفسیر دوم ارجحیت دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ج ۱: ۲۴۵). همچنین در صورت تردید میان شرط فاسخ (که موجب انحلال است) و شرط فعل یا تأخیر در اجرای تعهد، اصولاً تفسیر به نفع لزوم و بقای عقد ترجیح داده می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ج ۱: ۲۴۵). در حقوق ایران، فوریت برخی اختیارات مانند «خیار غبن» طبق ماده ۴۲۰ قانون مدنی، در واقع نوعی تفسیر قانونی در جهت محدودسازی زمان اعمال حق و تثبیت سریع قرارداد است (امامی، ۱۳۷۷: ج ۱: ۴۶۰).

۳-۴. شروط تحدیدکننده مدت و آثار حقوقی آن در حقوق ایران

شروط تحدیدکننده مدت، قیدهایی هستند که به منظور تعادل در نظم حقوقی، پیش‌بینی‌پذیری روابط قراردادی و تثبیت وضعیت حقوقی، مدت اعمال یک حق، اجرای یک تعهد یا اعتبار یک مسئولیت را محدود به یک بازه زمانی خاص می‌کنند. این شروط به دلیل نقش حیاتی‌شان، در قراردادهای مستمر و تجاری از اهمیت بالایی برخوردارند. این شروط بر اساس تحدید موضوع به سه قسم اصلی قابل تقسیم است:

الف: شروط تحدید اجرای تعهد: زمانی که اجرای بخشی از تعهد اصلی (مانند تعهد پیمانکار به تحویل هر فاز از پروژه) به طور متوالی یا در مهلت‌های مشخص مقید به زمان می‌شود.

ب: شروط تحدید مسئولیت زمانی: شروطی که مسئولیت متعهد (مدیون) را از حیث زمان محدود می‌کنند، مانند دوره ضمانت یا گارانتی (تضمین) کالا و خدمات پس از فروش. همچنین محدود کردن زمان طرح دعوا (مرور زمان قراردادی) که در قانون تجارت مصادیق متعددی دارد.

ج: شروط تحدید اعمال حق: شروطی که زمان اعمال یک حق قراردادی (مانند حق فسخ یا حق رجوع و ...) را محدود می‌سازند (مانند شرط خیار فسخ برای مدت معین).

۱-۳-۴. آثار حقوقی شروط تحدید کننده مدت در حقوق ایران

در نظام حقوق ایران، با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی (اصل حاکمیت اراده)، شروط تحدید اجرای تعهد، شروط تحدید مسئولیت و شروط تحدید اعمال حق امری پذیرفته و قابل قبول است، لکن آثار این شروط مبتنی بر ماهیت شرط است؛ مانند شروط تحدید کننده اعمال حق که طبق ماده ۴۰۱ قانون مدنی اگر در مهلت مقرر اقدام به فسخ نکند حق فسخ وی ساقط و عقد لازم خواهد شد یا اگر شرط از نوع شرط فعل مقید به زمان باشد و متعهد در مهلت مقرر تخلف کند، مشروط له ابتدا حق رجوع به حاکم برای اجبار به وفای شرط را دارد و در صورت تعذر اجبار طبق مواد ۲۳۷ و ۲۳۹ قانون مدنی می تواند عقد را فسخ کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ج ۴، ۱۹۰).

البته اعتبار این شروط محدود به رعایت نظم عمومی و قانون است. در مواردی مانند خیار شرط، اگر مدت به صورت دقیق و مشخص تعیین نشود طبق ماده ۴۰۱ قانون مدنی، هم شرط و هم اصل عقد باطل است. این امر اهمیت قید زمان در این شروط را کاملاً واضح ساخته است؛ همچنین شروطی که به طور غیر منصفانه زمان اعمال حق را محدود یا ساقط کنند مانند شرط تحدید مسئولیت در جایی که موجب سوء نیت شود، باطل و غیر قابل اجرا خواهد بود (صفایی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

۴. شروط مقید به زمان در حقوق مصر

در نظام حقوقی مصر، پیمانکار مکلف است طبق روش توافق شده در قرارداد عمل کند و در صورت عدم تصریح قرارداد، از عرف حرفه ای و اصول فنی - صنعتی رایج پیروی نماید (السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۶۵). اگر پیمانکار با شروط صریح قرارداد مخالفت کند، محل تعهد شناخته می شود و بدون نیاز به اثبات تقصیر کارفرما، ملزم به جبران خسارات است. تعهد پیمانکار می تواند تعهد به نتیجه (مانند ساخت بنا یا تهیه کالا) یا تعهد به وسیله باشد، اما تا تحقق کامل نتیجه مطلوب ادامه دارد؛ مگر این که دخالت سبب خارجی ثابت شود (السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۶۷). علاوه بر آن یکی از وظایف مهم پیمانکار، پرهیز از افراط و تفریط در اجرای قرارداد و به کارگیری اصول فنی است (السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۴۲۹). اگر پیمانکار بدون عذر موجه نتواند قرارداد را اجرا کند، اجرای امانی پروژه به هزینه پیمانکار به شخص ثالث سپرده می شود و کارفرما حق مداخله فوری بدون انتظار پایان مدت را دارد (السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ش ۹۳-۷۵). طبق ماده ۶۵۰ قانون مدنی مصر، کارفرما می تواند با اخطار به پیمانکار، مهلت معقولی برای اصلاح بدهد؛ در صورت عدم اصلاح، پروژه به صورت امانی ادامه یابد یا قرارداد فسخ شود. اگر عیب غیر قابل اصلاح باشد، فسخ فوری امکان پذیر است. طبق ماده ۷۸۰ قانون مدنی مصر (قانون قدیم)، حتی تأخیر در شروع اجرا می تواند منجر به فسخ شود. پیمانکار موظف است هر گونه اوضاع و احوال موجب تأخیر را فوراً به اطلاع کارفرما برساند؛ در غیر این

صورت، مسئول نتایج عدم اطلاع خواهد بود.^۱

۴-۱. حق انتخاب کارفرما و نقش دادگاه

در صورت عدم ایفای تعهد (مانند مخالفت با شروط قرارداد یا اصول فنی)، پیمانکار در برابر کارفرما مسئول است. کارفرما می تواند اجرای عینی قرارداد را مطالبه کند یا قرارداد را فسخ نماید و در هر دو حالت، جبران خسارت تقاضا کند (السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۷۸). اگر اجرای قرارداد ممکن باشد، کارفرما می تواند آن را مطالبه کند؛ اگر شخصیت پیمانکار مورد توجه بوده و او امتناع کند، کارفرما ابتدا از تهدید مالی (عدم پرداخت اجرت) استفاده می کند و در صورت بی اثر بودن، فسخ و مطالبه خسارت می نماید. اگر پیمانکار در تأخیر نقشی نداشته و اجرا هنوز ممکن باشد، کارفرما می تواند با هزینه پیمانکار توسط شخص دیگر پروژه را به پایان برساند. در مواردی که اختلال، فسخ را الزامی کند، کارفرما می تواند از دادگاه فسخ را مطالبه کند؛ قاضی طبق قواعد عمومی اجازه فسخ می دهد یا به پیمانکار مهلت می دهد و در صورت زیان، حکم به جبران خسارت صادر می کند (السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۸۰).

۴-۲. تمایز اجل و شرط در قانون مدنی مصر

در نظام حقوقی مصر، مقنن تمایز واضحی میان شرط و اجل قائل شده و اجل را به صراحت در مواد قانونی خود تعریف و آثار آن را مشخص کرده است. در این نظام حقوقی، اجل به عنوان وصفی از اوصاف التزام (تعهد) به رسمیت شناخته شده که ماهیتی متفاوت از شرط دارد. طبق ماده ۲۷۱ قانون مدنی مصر، اجل امری است مستقبل و محقق الوقوع (حتمی الوقوع) که نفاذ یا انقضای تعهد بر آن مترتب است. این در حالی است که طبق ماده ۲۶۵ قانون مدنی این کشور، شرط امری است مستقبل و غیر محقق الوقوع. بنابراین حتمی بودن وقوع، وجه تمایز اصلی شرط مقید به زمان از شرط تعلیقی است. در نظام حقوقی مصر برخلاف حقوق ایران که مفهوم وحدت و تعدد مطلوب را برای تشخیص ماهیت شرط به کار می برند، تمرکز اصلی بر حتمیت وقوع قید زمانی است.

طبق ماده ۲۷۴ قانون مدنی مصر، اگر التزام بر اساس اجل باشد، تنها نفاذ (مطالبه و اجرای) آن به زمان آینده موکول شده است. علاوه بر این، ماده ۲۷۲ قانون مدنی مصر به صورت خاص به وضعیتی می پردازد که در آن مدیون تعهد خود را مقید به توانایی مالی یا میسر (مقدرة أو المیسرة) کرده باشد. در این حالت، قاضی مأمور است تا با توجه به منابع مالی فعلی و آتی مدیون، مهلتی مناسب (نظره المیسرة) برای حلول اجل و اجرای تعهد تعیین کند. این حکم، ناظر به قید خاص تمکن مالی است و یک قاعده عام در

۱. ماده ۸۶۹ متن پیشنهادی قانون مدنی جدید مصر به این موضوع اشاره داشت، اما با اکتفا به قواعد عمومی حذف شد.

خصوص عدم تعیین زمان توسط متعاقدين نیست. این تمایز در حقوق مصر، مبنای تصمیمات قضایی در خصوص تعدیل قراردادها است که با استناد به ماده ۱۴۷ انجام می‌گیرد و تفسیر شروط زمانی قراردادهای پیمانکاری است؛ به گونه‌ای که تشخیص یک قید به عنوان اجل یا شرط می‌تواند تعیین کننده بقا یا انحلال قرارداد و همچنین نوع ضمانت اجرای قابل اعمال باشد.

۳-۴. تحلیل ماهیت زمان و قاعده تعدیل قضایی در حقوق مصر

در حقوق مصر، اجل (قید زمان اجرای تعهد) به عنوان واقعه‌ای حتمی الوقوع در آینده تعریف می‌شود که می‌تواند از نظر زمان نامعلوم باشد؛ مانند زمان فوت. طبق ماده ۲۷۱ قانون مدنی مصر، اجل اثری را که به تعهد معلق یا زایل می‌کند، تعیین می‌نماید. اصل بر این است که اجل به نفع مدیون مقرر شده است. مهم ترین تمایز نظام حقوقی مصر، وجود قاعده صریح «تعدیل قضایی» است؛ به گونه‌ای که اگر اجرای تعهدات زمان مند در عقود مستمر به دلیل حوادث استثنایی و غیر قابل پیش بینی به طور طاقت فرسا (مرهق) سنگین شود، قاضی اختیار صریح دارد تا به جای فسخ، تعهد را تا حد معقول کاهش و اصلاح کند. این قاعده در نظریه «حوادث پیش بینی نشده» (الحوادث الطارئة) مندرج در ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر تجلی یافته است. طبق بند ۲ این ماده، در تفسیر شروط زمانی، اصل بقای قرارداد و تفسیر مضیق شروط تحدید مدت حاکم است تا ثبات تعهدات مستمر حفظ شود. بر پایه این بند و با توجه به تحلیل دکترین غالب، ماهیت عقود زمانی که در آن‌ها زمان خود رکن اساسی و محل تعهد است، هرگونه شرطی که موجب تحدید مدت یا انقطاع استمرار عقد شود، باید به نحو مضیق تفسیر گردد تا اصل بقا و ثبات تعهدات مستمر حفظ شود (السهنوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۱۷۹-۱۸۰).

۴-۴. شروط تحدید کننده مدت در حقوق مصر

در حقوق مصر شروط تحدید کننده مدت، تحت حاکمیت قوی اصل تعدیل قضایی قرار دارند. حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای الحاقی، یکی از جلوه‌های مهم این رویکرد است. دادگاه مجاز است شروطی را که از نظر اوضاع و احوال ناعادلانه تلقی می‌شوند، از جمله شروطی که محدودیت‌های زمانی غیرمنصفانه ایجاد می‌کنند، باطل اعلام کند. این اختیار مستنبط از ماده ۱۴۹ قانون مدنی مصر است.^۱ مهم تر آن که، در عقود مستمر، اگر اجرای تعهدات زمان مند به دلیل حوادث استثنایی و غیر قابل پیش بینی به گونه‌ای طاقت فرسا (مرهق) شود، قاضی اختیار دارد که تعهد سنگین قراردادی را تا حد معقول کاهش و اصلاح کند. این اختیار تعدیل به جای فسخ قرارداد با استناد به

۱. المادة (۱۴۹): إذا تم العقد بطريق الإذعان، وكان قد تضمن شروطاً تعسفية جاز للقاضي أن يُعدل هذه الشروط أو أن يعفى الطرف المذعن منها، وذلك وفقاً لما تقتضيه العدالة، ويقع باطلاً كل اتفاق على خلاف ذلك.

بند ۲ ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر تضمینی بر بقای قرارداد است.

نظام حقوقی مصر بر لزوم حفظ قرارداد تأکید دارد و آن را مستقیماً با حاکمیت اراده طرفین مرتبط می‌داند. در این نظام حقوقی، شروط زمانی باید در پرتو هدف کلی قرارداد تفسیر شوند تا منفعت مدنظر طرفین تأمین گردد. این رویکرد با ماده ۱۵۱ قانون مدنی مصر که مقرر می‌دارد: «هرگاه ابهامی در قرارداد وجود داشته باشد، تفسیر آن به نفع مدیون خواهد بود، تقویت می‌شود». لذا اگر شرط زمان برای متعهد تعهدی سنگین ایجاد کرده و در آن ابهامی وجود داشته باشد، تفسیر باید به گونه‌ای باشد که بار تعهد زمانی از دوش مدیون (در حد معقول) برداشته شود تا امکان بقای قرارداد فراهم گردد. در حقوق مصر، تفسیر مضیق شروطی که موجب انحلال قرارداد است، به‌طور کلی با مداخله قضایی همراه خواهد شد و شروطی که موجب انحلال قهری قرارداد (انفساخ) باشد، تفسیر مضیق مدت را به دنبال دارد و محاکم با استناد به ماده ۱۵۷ قانون مدنی این کشور باعث می‌شوند تا اجرای تعهد در مدت ارفاقی به انجام رسد.^۱ این اعطای مهلت، درواقع نوعی تفسیر شروط زمان است که هدف آن بقای قرارداد مستمر و حفظ نظم حقوقی در امور اقتصادی است. رویکرد نظام حقوقی ایران و مصر در مواجهه با تأخیر در اجرای قراردادهای مستمر در جدول زیر مورد مقایسه قرار گرفته است:

معیار	مصر: بند دوم ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر	ایران: پیمانکاری دولتی (مواد ۲۹ و ۵۰ شرایط عمومی پیمان)
تأخیر در اجرای فازهای تعهد	تعدیل مدت به انضمام جریمه متناسب	فسخ کل قرارداد یا اعمال جریمه طبق ماده ۵۰
فورس ماژور (تغییر اوضاع و احوال)	تعدیل قضایی بر اساس نظریه الحوادث الطارئة	فسخ (مگر موارد مربوط به عسر و حرج)
منافع عمومی	بقای پروژه عمرانی از طریق تعدیل	اجرای دقیق شروط زمانی مورد توافق

بررسی تطبیقی نقش شروط زمانی در عقود مستمر میان دو نظام حقوقی ایران و مصر، حاکی از دو رویکرد متمایز در مواجهه با ریسک‌های زمانی و حفظ تعادل اقتصادی در قراردادهای بلندمدت است.

۱. المادة (۱۵۷): ۱- فی العقود الملزمة للجانبين، إذا لم يوفَ أحد المتعاقدين بالتزامه جاز للمتعاقد الآخر بعد إعداره المدین أن يطالب بتنفيذ العقد أو بفسخه، مع التعويض فی الحالتين إن كان له مقتض. ۲- ويجوز للقاضي أن يمنح المدین أجلاً إذا اقتضت الظروف ذلك، كما يجوز له أن يرفض الفسخ إذا كان ما لم يوف به المدین الأهمية بالنسبة إلى الالتزام فی جملته.

در حقوق ایران، با تکیه بر مبانی فقه امامیه و اصل لزوم قراردادهای، رویکردی باثبات تر حاکم است. در این نظام، زمان گاه به عنوان رکن صحت عقد تلقی شده و مکانیسم های انعطاف پذیر تعدیل تعهدات در مواجهه با تغییرات پیش بینی نشده (مانند تورم شدید، تحریم ها یا بحران های کلان) توسعه نیافته است. فسخ قرارداد اغلب به عنوان چاره ای کلی و با آثار گسترده در نظر گرفته می شود و دخالت قضایی برای تعدیل شروط یا تعادل مجدد عوضین، به موارد استثنایی و مضیق (مانند عسر و حرج شدید) محدود می گردد. این رویکرد اگرچه به ثابت بودن و قطعیت روابط قراردادی می انجامد، اما در عمل و به ویژه در مواجهه با شوک های اقتصادی گسترده، منجر به انباشت ریسک، افزایش فرایند دعاوی (که طبق آمارها سهم قابل توجهی از پرونده ها را تشکیل می دهد) و در نهایت اختلال در اجرای پروژه های کلان ملی و خسارت به منافع عمومی است. در مقابل، حقوق مصر با رویکردی اجرایی و عدالت محور، ابزارهای انعطاف پذیر و متنوع تری را در اختیار طرفین و مرجع قضایی قرار می دهد. در این نظام، زمان عمدتاً به عنوان مهلت انجام کار نگریسته می شود، نه یک شرط انحلال دهنده. هنگامی که رویدادهای غیرقابل پیش بینی (مانند بحران اقتصادی یا حوادث طبیعی) رخ می دهد، این نظام ترجیح می دهد به جای فسخ کلی قرارداد، حکم به بقای آن دهد. با توجه به ماهیت بلندمدت، پیچیده و پرریسک قراردادهای مستمر مانند BOT و EPC که ثبات اقتصادی و توسعه ملی به اجرای بهینه آنها وابسته است، رویکرد حقوق مصر به دلیل کارآمدی عملیاتی بیشتر و توجه به عدالت معاوضاتی در شرایط متغیر، راهبردی تر و مناسب تر به نظر می رسد. در حقوق ایران برای کاهش هزینه های اقتصادی و قضایی و تضمین اجرای پایدار پروژه های زیرساختی، نیازمند بازنگری است.

۵-۴. پیشنهاد های اصلاحی برای حقوق ایران با الهام از حقوق مصر

به نظر می رسد نظام حقوقی ایران با الهام از ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر و در چارچوب ظرفیت های موجود فقهی و حقوقی ایران مانند قواعد «لاضرر» و «عسر و حرج» و مواد ۱۰ و ۲۱۰ قانون مدنی در حوادث غیرقابل پیش بینی تعدیل قضایی مورد پذیرش قرار گیرد و امکان مداخله قاضی برای تعدیل شروط زمانی یا حتی مالی در مواجهه با حوادث عمومی و غیرمترقبه که توازن بنیادین قرارداد را به هم می زند، فراهم آید. این تعدیل می تواند شامل تمدید مهلت ها، کاهش جرائم تأخیر یا تعدیل تعهدات باشد. علاوه بر آن بازنگری و اصلاح مواد ۲۹ و ۳۰ شرایط عمومی پیمان و قانون معاملات دولتی، سازوکارهای روشن تری برای تمدید زمان در موارد فورس ماژور به روی پیمانکاران و مجریان قراردادهای عقود مستمر خواهد گشت که در بسط و توسعه فرایندهای اقتصاد تأثیر شگرف خواهد داشت. بازنگری در بند «ه» ماده ۲۹ شرایط عمومی پیمان، به قاضی اختیار خواهد داد تا در حوادث غیرقابل پیش بینی، به منظور حفظ منافع عمومی و بقای پروژه های BOT و EPC شروط زمانی را حداکثر تا ۲۵ درصد تعدیل نماید. این عدد هم

با منطق سقف ۲۵ درصدی مندرج در این ماده برای تغییرات کمی هماهنگ است و هم انعطاف لازم را بدون ایجاد بی ثباتی در قرارداد فراهم می کند. اگر در عقود مستمر شروط زمانی مورد توافق قرار گرفته باشد که مبهم باشد، این شروط باید به گونه ای تفسیر شوند که منجر به بقای قرارداد و اجرای تعهد بینجامد موجب فسخ و انحلال زود هنگام عقد نشود. ترجیح سازوکارهای تعدیل بر فسخ کلی، راهکاری همسو با منافع ملی در پروژه های مستمر و بلندمدت است.

۵. وضعیت عدم تعیین مدت و اصل ممنوعیت ابدیت تعهد (مقایسه ایران و مصر)

نظام حقوقی مصر برخلاف نظام حقوقی ایران، عدم ذکر صریح مدت در عقد اجاره به عنوان یکی از مصادیق عقد مستمر را لزوماً موجب بطلان نمی داند و در درجه اول به اراده ضمنی طرفین و عرف برای تعیین مدت رجوع می کند. تجاوز مستأجر از مدت اجاره در حقوق ایران، بسته به اذن مالک و طبق ماده ۵۰۱ قانون مدنی می تواند منجر به تمدید عقد منجر شود یا بدون اذن مالک، طبق ماده ۴۹۴ قانون مدنی غصب تلقی و موجب ضمان، اجرت المثل و حق فوری مالک برای تخلیه ملک شود. این درحالی است که در قانون مدنی مصر تعیین مدت در عقد اجاره شرط صحت عقد نیست، بلکه شرط لزوم و ثبات آن است و عدم تعیین مدت در این عقد طبق ماده ۵۶۳ قانون مدنی مصر^۱ مدت اجاره بر مبنای موعد پرداخت مال الاجاره تعیین می گردد. اگر اجاره بها سالانه باشد، مدت اجاره یک سال تلقی می شود. این حکم با اصل بطلان در حقوق ایران طبق ماده ۴۶۸ قانون مدنی و اعمال ماده ۵۰۱ قانون مدنی کاملاً تفاوت دارد. ماده ۵۶۳ قانون مدنی مصر، با پذیرش تجدید ضمنی اجاره، بلا تکلیفی قرارداد مستمر اجاره را از بین می برد (السنهوری، ۲۰۱۱: ج ۶، ۱۱۸). این رویکرد، ثبات قراردادهای مستمر را حفظ کرده و فسخ ناگهانی را ناممکن می سازد. علاوه بر این، رویکرد حقوقی مصر نسبت به قراردادهای بدون مدت بر دو اصل اساسی تلاش برای تفسیر مدت و امکان انحلال یک جانبه مشروط استوار است. در مواردی که از هیچ طریقی

۱. ماده (۵۶۳): إذا عقد الإيجار دون اتفاق على مدة أو عقد لمدة غير معينة أو تعدّر إثبات المدة المدعاة، اعتبر الإيجار منعقداً للفترة المعينة لدفع الأجرة. وينتهي بانقضاء هذه الفترة بناءً على طلب أحد المتعاقدين إذا هو نيه على المتعاقد الآخر بالإخلاء في المواعيد الآتية بيانها: (أ) في الأراضي الزراعية والأراضي البور إذا كانت المدة المعينة لدفع الأجرة ستة أشهر أو أكثر، يكون التنبيه قبل انتهائها بثلاثة أشهر، فإذا كانت المدة أقل من ذلك، وجب التنبيه قبل نصفها الأخير، كل هذا مع مراعاة حق المستأجر في المحصول وفقاً للعرف. (ب) في المنازل والحواري والمكاتب والمتاجر والمصانع والمخازن وما إلى ذلك إذا كانت الفترة المعينة لدفع الأجرة أربعة أشهر أو أكثر وجب التنبيه قبل انتهائها بشهرين، فإذا كانت الفترة أقل من ذلك وجب التنبيه قبل نصفها الأخير. (ج) في المساكن والغرف المؤثثة وفي أي شيء غير ما تقدم إذا كانت الفترة المعينة لدفع الأجرة شهرين أو أكثر، وجب التنبيه قبل نهايتها بشهر فإذا كانت أقل من ذلك، وجب التنبيه قبل نصفها الأخير.

نتوان مدت قرارداد را تعیین کرد، حقوق مصر وجود قراردادهای دائم و ابدی را مخالف آزادی اراده فرد می‌داند. در نتیجه، به هر یک از طرفین، حق انحلال یک‌جانبه (الإنهاء بالإرادة المنفرده) داده می‌شود تا در هر زمان، با اخطار قبلی و در زمان مناسب، به رابطه خاتمه دهند. صاحب اخطار، پایان اجاره را در نهایت مدت قانونی و با حسن نیت اعمال می‌کند (السنهوری، ۲۰۱۱: ج ۶، ۱۲۰). حق فسخ یک‌جانبه و رابطه آن با شروط مقید به زمان در عقود مستمر، ایقاعی است که موجب انحلال عقد لازم می‌شود و رابطه مستقیمی با شروط مقید به زمان دارد که دارای دو حالت فسخ ناشی از نقض شروط زمانی (عدم اجرای تعهد در مهلت‌های فزیندی شده) و فسخ قراردادهای بدون مدت است. این حق در جدول زیر مورد مقایسه قرار گرفته است:

ویژگی	حقوق مصر (فسخ به دلیل نقص)	حقوق ایران (قاعده تخلف از شرط)
نقش زمان در فسخ	حق اولیه است. متعهد له با نقض تعهد زمانی (نقض اساسی)، می‌تواند بین اجبار به اجرا، مطالبه خسارت یا فسخ قرارداد، یکی را انتخاب کند و طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی مصر حق فسخ دستاورد تعذر در الزام نیست. بر اساس این ماده و تحلیل سنهوری، در تعهدات زمانی، متعهد له در مواجهه با نقض اساسی (تعذر اجرا)، دارای حق اولیه انتخاب میان اجبار متعهد به اجرا، مطالبه خسارت یا مطالبه فسخ قرارداد است؛ لیکن حکم به فسخ صرفاً هنگامی صادر می‌شود که الزام به اجرا واقعاً ناممکن باشد و صرف تعذر جزئی اجرائی، حق فسخ را ایجاد نمی‌کند (السنهوری، ۱۹۸۷: ج ۱، ۴۱۹). ^۱	حق ثانوی است. اگر متعهد، تعهد مقید به زمان (شرط فعل) خود را در موعد مقرر انجام ندهد، مشروط له ابتدا حق اجبار او را دارد و تنها در صورت تعذر الزام طبق ماده ۲۳۹ قانون مدنی حق فسخ کل قرارداد پدید می‌آید.
تقویت زمان به عنوان عامل انحلال	شرط فاسخ صریح طبق ماده ۱۵۸ قانون مدنی مصر به طرفین اجازه می‌دهد صراحتاً شرط کنند که در صورت عدم اجرای تعهد در مهلت مقرر، عقد خودبه‌خود منفسخ (منحل) شود که نقش زمان را به عنوان عامل انحلال تقویت می‌کند.	خیار شرط طبق ماده ۳۹۹ قانون مدنی قرار دادن حق فسخ صریح در یک مدت معین است؛ عدم تعیین مدت طبق ماده ۴۰۱ قانون

۱. فی جانبه و يجوز فسخ العقد إذا كان ملزماً للجانبين. ومثل الاستحالة المطلقة أن يتعهد شخص بأن يقوم بعمل يكون قد تم قبل التعهد كما إذا تعهد محام برفع استئناف عن قضية كان الاستئناف قد رفع فيها قبل ذلك، أو أن يتعهد شخص بالامتناع عن عمل كان قد وقع قبل التعهد.

ویژگی	حقوق مصر (فسخ به دلیل نقص)	حقوق ایران (قاعده تخلف از شرط)
		مدنی ^۱ موجب بطلان کل عقد است. ^۲

در این بررسی تطبیقی، محور تمایز دو نظام حقوقی در مواجهه با نقض شروط مقید به زمان در عقود مستمر به وضوح مورد بحث قرار گرفته است. در حالی که هر دو نظام اعتبار این شروط را تأیید می کنند، تفاوت اصلی در جایگاه حق فسخ و نقش زمان در تعیین سرنوشت عقد به گونه ای است که حق فسخ بر اساس قاعده تخلف از شرط طبق ماده ۲۳۹ قانون مدنی یک حق ثانوی است. نظام حقوقی ایران ابتدا اجبار به وفای عهد را بر فسخ ترجیح می دهد. این رویکرد موجب تأخیر در انحلال قراردادهای مستمر و کاهش انعطاف پذیری متعهد له در قبال نقض تعهدات زمانی می شود. در نظام حقوقی مصر، حق فسخ (به عنوان حق انحلال) یک حق اولیه است. متعهد له با نقض اساسی تعهد زمانی، حق انتخاب میان اجبار، مطالبه خسارت یا فسخ را دارد. طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی مصر، این امر زمان را به طور مستقیم به عامل تعیین کننده سرنوشت عقد تبدیل کرده و انعطاف پذیرترین راهکار را برای واکنش سریع به نقض زمانی فراهم می آورد. علاوه بر آن، عدم تحدید مدت در خیار شرط طبق ماده ۴۰۱ قانون مدنی موجب بطلان کل عقد می شود. این حکم نشان دهنده اهمیت حیاتی و ماهوی قید زمان به منظور جلوگیری از غرری شدن قرارداد است. در قانون مدنی مصر با استفاده از شرط فاسخ صریح طبق ماده ۱۵۸ قانون مدنی مصر، به طرفین اجازه داده می شود که نقش زمان را تقویت کنند و عدم اجرای تعهد در موعد مقرر را مستقیماً به عامل انفساخ (انحلال خودکار) تبدیل نمایند. رویکرد مصر با اعطای حق فسخ به عنوان یک ابزار اولیه انتخاب در کنار پذیرش شرط فاسخ صریح، یک چارچوب حقوقی انعطاف پذیرتر و کاربردی تر برای نظم حقوقی عادلانه در عقود مستمر ایجاد می کند که به سرعت و قطعیت روابط قراردادی کمک شایانی می نماید.

تفاوت اساسی رویکرد دو نظام حقوقی ایران و مصر در مواجهه با اصل ممنوعیت ابدیت تعهد در عقود مستمر فاقد مدت در جدول زیر مورد مقایسه قرار گرفته است:

ویژگی	حقوق مصر	حقوق ایران
منبای حق فسخ	قاعده ممنوعیت دائمی تعهد: در قراردادهای لازم مستمری که مدت ندارند، قانون به هر یک از طرفین حق می دهد که به صورت یک جانبه رابطه	در عقود مستمر مانند وکالت و عاریه حق فسخ یک جانبه (رجوع) بدون نیاز به دلیل وجود دارد.

۱. ماده ۴۰۱ قانون مدنی مقرر کرده است: «اگر برای خیار شرط مدت معین نشده باشد هم شرط خیار و هم بیع باطل است».

۲. دلیل این امر جلوگیری از «غرری» یا «مجهول» بودن شرط است، چون طرفین نمی دانند که حق فسخ تا چه زمانی باقی است و این امر می تواند موجب «جهل به عوض» و در نتیجه بطلان معامله شود.

	را قطع کند.	
شرایط فسخ	لزوم اخطار قبلی: انحلال باید با اخطار کتبی قبلی و در زمان مناسب صورت گیرد.	رجوع از عقد جایز، به محض اعلام اراده واقع می‌شود و نیازی به اخطار قبلی ندارد.
ضمانت اجرا (در صورت تخلف)	اگر انحلال بدون اخطار کافی یا در زمان نامناسب باشد، طرف منحل‌کننده ملزم به جبران خسارت ناشی از عدم رعایت مهلت اخطار طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی مصر خواهد بود.	سقوط حق در صورت عدم اعمال در زمان مقرر (در خیار شرط)؛ یا مسئولیت مدنی در صورت استفاده تأسف آمیز از حق رجوع.

در این بررسی مشخص می‌شود که در هر دو نظام، لزوم خروج از تعهدات دائم امری پذیرفته شده است، اما سازوکار آن از یک‌دیگر متفاوت است. در نظام حقوقی ایران، حق فسخ یک‌جانبه (رجوع) تنها در عقود جایز ماهوی مانند وکالت و عاریه وجود دارد و در عقود لازم بدون مدت، ابزار قانونی مستقل و منعطفی برای انحلال فراهم نیست. در نظام حقوقی مصر، حق انحلال یک قاعده حقوقی مستقل است که قانون برای حفظ آزادی اراده در برابر تعهدات لازم بدون مدت، آن را اعطا کرده است. در نظام حقوقی ایران، رجوع از عقد جایز نیاز به اخطار قبلی ندارد که نشان‌دهنده فقدان مکانیزم قانونی برای مدیریت نظم حقوقی عادلانه زمانی انحلال است؛ اما در نظام حقوقی مصر، انحلال مشروط به قید زمانی لزوم اخطار قبلی است. این اخطار قبلی یک سازوکار حیاتی برای مدیریت زمان است. عدم رعایت آن، انحلال را باطل نمی‌کند، بلکه تنها موجب مسئولیت جبران خسارت طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی مصر ناشی از عدم رعایت مهلت می‌شود. بنابراین رویکرد مصر، با مشروط ساختن انحلال به یک قید زمانی عادلانه، ابزاری انعطاف‌پذیرتر و کارآمدتر برای خروج از تعهدات مستمر فراهم می‌آورد.

در نظام حقوقی ایران، زمان تحدیدکننده و ساقط‌کننده حق فسخ است. در نظام حقوقی مصر، قراردادهای بدون مدت با توجه به ماده ۵۶۳ قانون مدنی، به‌عنوان ابزار اخطار قبلی، خروج عادلانه و مطابق با حسن نیت را الزامی می‌سازد.

۶. وضعیت حقوقی قرارداد مستمر پس از اتمام مدت (مقایسه ایران و مصر)

وضعیت حقوقی قرارداد مستمری مانند پیمانکاری با مدت معین پس از انقضای موعد (بدون تمدید یا تحویل قطعی) طبق ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان در نظام حقوقی ایران خاتمه یافته محسوب می‌شود و ادامه کار پس از انقضای مدت بدون تمدید رسمی یا توافق طرفین، منجر به تجدید ضمنی قرارداد نمی‌شود؛ بلکه پیمانکار مسئول تأخیر غیر مجاز است و طبق ماده ۵۰ شرایط عمومی پیمان ملزم به پرداخت جریمه است. اجرای ناقص تعهد طبق مواد ۴۸-۴۶ شرایط عمومی پیمان، پیمانکار را موظف به تسویه،

تحويل کارگاه و پرداخت خسارات احتمالی می‌کند و اصل بر انحلال قهری با پایان مدت قرارداد برخلاف عقد اجاره است. در حقوق مصر، قراردادهای پیمانکاری (عقود مقاوله أو انشاء) عمدتاً تعهد به نتیجه با مدت معین تلقی می‌شوند که با انقضای مدت حتی بدون ایفای تعهد خاتمه می‌یابند. مواد قانون مدنی مرتبط با مقاوله یا انشا مانند مواد ۶۴۶-۶۵۵ حاکی بر انحلال با پایان مدت قرارداد است، مگر توافق طرفین یا تمدید صریحی در این رابطه قابل احراز باشد. در صورت انقضا زمان قرارداد ادامه کار پیمانکار بدون توافق کارفرما منجر به مسئولیت پیمانکار است و طبق مواد ۶۵۰ قانون مدنی عواقب حقوقی خواهد داشت و ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

در نظام حقوقی ایران ضمانت اجرای نقض شروط زمانی بر اساس یک سلسله مراتب سخت‌گیرانه و منطبق بر مواد قانون مدنی مانند ماده ۲۲۱ و ۲۲۲ در ابتدا باید الزام متعهد به اجرای عین تعهد از دادگاه خواسته شود و حق فسخ در این مورد حقی ثانوی شمرده شده است که تنها پس از ناکامی و تعذر الزام، طبق ماده ۲۳۹ قانون مدنی (عدم امکان اجبار) ایجاد خواهد شد. مطالبه خسارت تأخیر انجام تعهد با اصل الزام قابل جمع است و در صورت تعیین وجه التزام طبق ماده ۲۳۰ قانون مدنی پرداخت آن قطعی است.

پرداخت وجه التزام در پروژه‌های عمرانی دولتی منجر به ایجاد چالش است؛ زیرا در عقود مستمر دولتی (مانند پیمانکاری و...)، تأخیرات اغلب به عوامل خارجی (تغییرات قیمت، دستور کارفرما، حوادث قهری) مربوط است و وجه التزام به‌عنوان جریمه ثابت، توازن قراردادی را برهم می‌زند. از سوی دیگر طبق ماده ۵۰ شرایط عمومی پیمان، تعدیل جداگانه برای تأخیرات مجاز در قراردادهای پیمانکاری پیش‌بینی خواهد شد که اعمال هم زمان هر دو، غبن و نقض اصل حسن نیت، طبق ماده ۲۲۰ قانون مدنی است. رویه قضایی نیز اغلب وجه التزام را در غیاب اثبات تقصیر پیمانکار، تعدیل یا نادیده می‌گیرد تا منافع عمومی حفظ شود.

در نظام حقوقی مصر با رویکرد اختیارگرا و متأثر از حقوق فرانسه، ضمانت اجرای نقض شروط زمانی بر اساس حق انتخاب اولیه متعهد له استوار است و پس از اخطار، متعهد له آزاد است به‌صورت مستقیم میان الزام به اجرا یا فسخ قرارداد با پرداخت خسارت طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی یکی را انتخاب کند. این نظام با اعطای اختیار تعدیل قضایی به قاضی در مورد تعهدات طاقت‌فرسا ناشی از حوادث پیش‌بینی‌نشده، طبق ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر و نیز تعدیل وجه التزام، انعطاف‌پذیری سیستم را در جهت حفظ عدالت و بقای قرارداد تضمین می‌کند. بدین ترتیب در مواجهه با نقض شروط زمانی (شرط فعل)، حقوق ایران طبق ماده ۲۳۷ قانون مدنی حق فسخ را یک حق ثانوی می‌داند که تنها پس از ناکامی در الزام قضایی متعهد به اجرای عین تعهد ایجاد می‌شود. در نظام

حقوقی مصر بر اساس ماده ۱۵۷ قانون مدنی حق فسخ و الزام به عنوان حق اولیه و هم عرض در اختیار متعهد له قرار داده شده است. این رویکرد مصر همچنین با اعطای اختیار تعدیل قضایی طبق ماده ۱۴۷ قانون مدنی در مواجهه با دشواری اجرا، ابزارهای منعطف تری برای حفظ پویایی قرارداد فراهم می کند.

تعدیل قراردادهای دولتی در شرایط تورمی، مکانیسمی حقوقی - اقتصادی است که بر اساس بخشنامه های سازمان برنامه و بودجه مانند بخشنامه ۱۷۳۰۷۳ و نشریه ۴۳۱۱ و ماده ۵۰ پیمان عمومی برای جبران افزایش هزینه ها ناشی از تورم در پیمان های عمرانی اعمال می شود. این تعدیل بر پایه شاخص های تعدیل آحاد بها محاسبه شده و هدف آن حفظ تعادل عوضین بدون غبن است. در پیمان های فاقد تعدیل اولیه، بخشنامه های جبران تورم (مانند آثار ارز و حامل های انرژی و...) جایگزین می شوند. رویه قضایی طبق نظریه ۲۶۲۵/۹۶/۷ قوه قضاییه آن را با قاعده نفی عسر و حرج توجیه می کند؛ در حالی که ملاحظه فورس ماژور اقتصادی برای بازنگری گزینه بهتر و پیشنهادی در این زمینه است. به ویژه تغییر قیمت در قراردادهای پیمانکاری می تواند جایگزین مناسبی برای نقص قانونی ماده ۲۳۰ قانون مدنی باشد.

۱-۶. نقش شروط زمانی در تجزیه پذیری و خاتمه عقد مستمر

شروط زمانی (مانند تحویل هفتگی یا ماهانه و...) در عقود مستمر، با تفکیک عینی تعهدات به اجزای مستقل (بر مبنای اجرای تدریجی تعهد و قاعده فقهی انحلال عقد واحد به عقود متعدد)، زمینه را برای تجزیه پذیری قرارداد فراهم می کنند. در نظام حقوق ایران اگرچه شروط زمانی این قابلیت را ایجاد می کنند، اما اعمال حق فسخ جزئی در صورت نقض تعهد (عدم تحویل یک قسط)، همچنان منوط به توافق صریح طرفین برای فسخ جزئی یا غیراساسی بودن نقض است. در غیر این صورت، فسخ اصولاً برخلاف اصل عدم تجزیه تعهد در ماده ۲۷۷ قانون مدنی به کل قرارداد تعلق می گیرد.^۱ نظام حقوقی مصر به صراحت تجزیه پذیری را می پذیرد و طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی به قاضی اختیار می دهد که در صورت نقض جزئی (تعیین شده توسط شروط زمانی) و غیراساسی بودن آن بخش،

۱. ماده ۲۷۷ قانون مدنی بیان می کند که متعهد نمی تواند طلبکار را مجبور به قبول جزئی از تعهد کند، اما دادگاه می تواند با توجه به وضعیت بدهکار، مهلتی عادلانه یا دستور پرداخت اقساطی صادر کند... این ماده، اختیار را از متعهد سلب کرده و آن را به حاکم (دادگاه) واگذار می کند.

فسخ جزئی را به جای فسخ کل قرارداد انتخاب کند.^۱ این شروط، اجرای تعهد را به اجزائی تفکیک می کنند که نقض هر جزء می تواند تنها به همان بخش آسیب بزند؛ مشروط بر آنکه نقض، اساسی و جوهری نباشد. بدین ترتیب شروط زمانی در عقود مستمر، نقشی دوگانه در خاتمه عقد مستمر دارند: نقش نخست، به عنوان انقضای اجل (مدت)، موجب انفساخ قهری عقد در آینده می شوند؛ مانند ماده ۴۹۴ قانون مدنی ایران^۲ و نقش دیگر در انحلال قراردادی (فسخ)، می توانند در قالب شرط فاسخ عمل کرده یا به عنوان قیدی برای تحدید زمان اعمال حق فسخ عمل کنند. بقای عقود مستمر در حقوق ایران و مصر در جدول زیر مورد مقایسه قرار گرفته است:

ویژگی	حقوق مصر	حقوق ایران
مبنای حقوقی	حاکمیت اراده، عدالت و تناسب ضمانت اجرا	قاعده فقهی انحلال عقد واحد به عقود متعدد (در مورد قابل تجزیه بودن مورد معامله) و اصل لزوم طبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی.
ظرفیت قانونی	بند ۲ ماده ۱۵۷ قانون مدنی مصر: اختیار صریح به قاضی برای حکم به فسخ جزئی.	استقراء در احکام خيارات (مانند خيار تبعض صفقه).
حکم در نقض جزئی (شروط زمانی)	پذیرش صریح تر تجزیه پذیری؛ قاضی می تواند بین فسخ کل یا فسخ بخشی از قرارداد یکی را انتخاب کند، مشروط بر آنکه بخش نقض شده، جزء اساسی قرارداد نباشد.	اصل بر عدم تجزیه طبق ماده ۲۷۷ قانون مدنی در اجرا؛ در مرحله نقض تعهدات مستمر (قابل تجزیه)، حق فسخ اصولاً به کل قرارداد تعلق می گیرد، مگر اینکه فسخ جزئی صریحاً شرط شده باشد یا نقض، اساسی و بنیادین نباشد.

در حقوق مصر تجزیه پذیری قرارداد (به ویژه در نقض) اصل حاکم تلقی می شود و به قاضی اختیار وسیعی برای اعمال فسخ جزئی (الفسخ الجزئی) اعطا شده است. مطابق ماده ۱۵۷ قانون مدنی

۱. ماده ۱۵۷ قانون مدنی مصر به «انحلال عقد در صورت عدم ایفای تعهد» می پردازد. بر اساس این ماده، در عقود دوطرفه، اگر یکی از طرفین به تعهد خود عمل نکند، طرف مقابل می تواند پس از اخطار به او، هم تقاضای اجرای عین تعهد را بنماید و هم حق فسخ معامله و مطالبه زیان های وارده را داشته باشد.

۲. ماده ۴۹۴ قانون مدنی: عقد اجاره به محض انقضاء مدت برطرف می شود و اگر پس از انقضاء آن مستاجر عین مستاجره را بدون اذن مالک مدتی در تصرف خود نگاه دارد موجر برای مدت مزبور مستحق اجرت المثل خواهد بود اگرچه مستاجر استیفاء منفعت نکرده باشد و اگر با اجازه مالک در تصرف نگه دارد وقتی باید اجرت المثل بدهد که استیفاء منفعت کرده باشد مگر اینکه مالک اجازه داده باشد که مجاناً استفاده نماید.

مصر، اگر نقض شروط زمانی تنها جزئی و غیر اساسی باشد، قاضی می‌تواند صرفاً همان جزء را فسخ کرده یا با اعطای مهلت ارفاقی، از انحلال کامل قرارداد جلوگیری کند. فسخ کل قرارداد تنها در صورتی مجاز است که بخش نقض شده، حیاتی و اساسی باشد.

تأسیس شرط فاسخ به‌طور صریح در قانون مدنی ایران ذکر نشده است، اما صحت آن توسط دکترین حقوقی با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی و اصل حاکمیت اراده و عدم مخالفت با نظم عمومی پذیرفته شده است. این شرط نوعی تعلیق در انحلال عقد محسوب می‌شود (نه تعلیق در انشا یا اثر) و از ایراد منجزیت مصون است. همچنین، احکام بیع شرط با استناد به ماده ۴۵۸ قانون مدنی نیز مؤیدی بر انفساخ قهری است. با تحقق شرط فاسخ (مثلاً عدم پرداخت در موعد زمانی مقرر)، عقد خودبه‌خود منفسخ می‌شود و حکم دادگاه در این خصوص اعلامی است. انفساخ حاصل از شرط فاسخ، اثر قهقرایی (از ابتدا) ندارد و صرفاً ناظر به آینده است؛ لذا تعهدات اجرا شده تا زمان تحقق شرط، صحیح و پابرجاست. در نظام حقوقی مصر تأسیس شرط فاسخ به‌طور صریح تحت عنوان شرط انحلال یا تعهد معلق پذیرفته شده است. طبق ماده ۲۶۵ قانون مدنی مصر تعلیق در زوال تعهد (شرط فاسخ) به رسمیت شناخته شده است و شرط فاسخ صریح طبق ماده ۱۵۸ قانون مدنی به طرفین اجازه می‌دهد که توافق کنند قرارداد در صورت نقض تعهدات، بدون نیاز به حکم قضایی، به‌صورت خودبه‌خود منفسخ شود (انحلال قهری)؛ و طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی حتی بدون شرط فاسخ، نقض تعهد (نقض شروط زمانی) به متعهد له حق می‌دهد که مستقیماً فسخ قضایی را طلب کند. این شرط در حقوق مصر ابزاری قانونی برای تضمین انحلال سریع و خارج از دادگاه در صورت تخلف از شروط زمانی است.

۷. تحلیل مبنایی غرر و حسن نیت در حقوق ایران و مصر

واژه «غرر» در لغت به معانی «خطر»، «هلاکت جان یا مال»، «خدعه و نیرنگ» گفته شده است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۶۸؛ فیروزآبادی، ۱۳۶۶: ج ۲، ۱۰۱). اصطلاحاً، غرر به وضعیتی در بیع یا معاملات معاوضی گفته می‌شود که در آن بیع یا عوض در معرض ریسک قرار گیرد (نجفی، ۱۳۶۷: ج ۲۲، ۳۸۷). حسن نیت نیز به‌عنوان تکلیف اخلاقی - حقوقی باعث رفع جهل و خطر در معامله است. رویکرد سنتی در فقه امامیه و قانون مدنی ایران، به دلیل تأکید بر بطلان معامله غرری، می‌تواند در مواردی تهدیدکننده ثبات قراردادها باشد. بطلان قهری به دلیل اندک جهلی که در معاملات پیچیده امروزی رایج است، منجر به لرزان بودن اساس معاملات می‌شود. رویکرد تعدیلی در نظام حقوقی مصر و در حقوق نوین ایران، تمایزی بین غرر مؤثر و غرر غیر مؤثر در نظر گرفته است.

۸. سازوکارهای تطبیق و تعدیل قرارداد: مقایسه ایران و مصر

در قراردادهای مدرن و مستمر پیمانکاری، حقوق ایران بیشتر بر اراده طرفین و حفظ اصل لزوم قرارداد تأکید

دارد، درحالی که حقوق مصر با پذیرش صریح نظریه اوضاع و احوال غیرقابل پیش بینی «الحوادث الطارئة» و اعطای اختیار تعدیل به قاضی، رویکردی انعطاف پذیرتر و تطبیق گرایانه تر اتخاذ کرده است. این قراردادها بر اساس زمان اجرا، مدت قرارداد و زمان اتمام به سه دسته تقسیم می شوند. وضعیت حقوقی قراردادهای مستمر مدرن بدون مدت صریح در حقوق ایران و مصر در جدول زیر مورد مقایسه قرار گرفته است:

وجه مقایسه	حقوق مصر	حقوق ایران
اصل حاکم	قرارداد نامحدود: اگر مدت صریح تعیین نشود، هر یک از طرفین حق فسخ یک جانبه با اخطار قبلی دارد (ماده ۵۵۹ قانون مدنی مصر در موارد مشابه اجاره و قواعد عمومی).	فقدان مدت صریح لزوماً موجب بطلان نیست؛ رویه قضایی و دکترین قرارداد را مستمر و نامحدود می دانند (ماده ۲۱۶ قانون مدنی بر لزوم تعیین مورد معامله تأکید دارد اما استثناً پذیرفته شده است)
ضمانت اجرا	فسخ با اخطار قبلی صریحاً پذیرفته شده؛ ماده ۱۴۸ قانون مدنی مصر (حسن نیت) فسخ را محدود به رعایت مهلت معقول و عدم سوءاستفاده می کند تا طرف مقابل فرصت جبران یا یافتن جایگزین داشته باشد.	حق فسخ یک جانبه با مهلت متعارف (اخطار معقول) برای هر طرف پذیرفته شده است.
جبران خسارت	جبران خسارت صریح تر: اگر اخطار ناکافی باشد یا فسخ با سوءنیت صورت گیرد، طرف زیان دیده (به ویژه توزیع کننده) طبق ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر می تواند مطالبه خسارت کند.	در صورت عدم رعایت مهلت اخطار یا سوءاستفاده از حق فسخ (به ویژه پس از سرمایه گذاری سنگین توزیع کننده)، مسخ کننده مسئول جبران خسارت است (قواعد عمومی مسئولیت مدنی)

حقوق ایران بر حفظ قرارداد و فسخ با مهلت عرفی تأکید دارد و تعدیل قضایی را کمتر می پذیرد؛ حقوق مصر با ابزارهای صریح تر (اخطار الزامی + جبران خسارت + تعدیل قضایی بر اساس الحوادث الطارئة) انعطاف بیشتری برای حمایت از طرف ضعیف تر (توزیع کننده) فراهم می کند. در قراردادهای پیمانکاری و خدمات فنی، شرط زمانی غالباً به مدت اجرا و اتمام پروژه مرتبط است.

وجه مقایسه	حقوق مصر	حقوق ایران
ماهیت مدت	مدت انجام کار: مشابه حقوق ایران، تعیین مدت یا جدول زمانی انجام کار و تحویل آن، از عناصر مهم قرارداد مقوله است.	مدت انجام کار: تعیین مدت در قراردادهای پیمانکاری ضروری است (برخلاف قراردادهای مستمر). این قراردادها معمولاً عقد معین (اجاره

وجه مقایسه	حقوق مصر	حقوق ایران
		اشخاص یا استصناع/مقاولة) یا نامعین هستند که تعیین مدت، رکن اساسی توافق است.
تأخیر در اجرا	تأخیر و تعدیل: در صورت تأخیر، علاوه بر وجه التزام توافقی، در شرایط خاص، قاضی می تواند میزان خسارات ناشی از تأخیر را بر اساس ماده ۲۲۴ قانون مدنی مصر (تعدیل خسارت توافقی) تعدیل کند تا از غلو جلوگیری شود.	طرفین معمولاً برای تأخیر در اجرای تعهدات طبق ماده ۲۳۰ قانون مدنی وجه التزام تعیین می کنند. قاضی در حقوق ایران، تنها در صورت اثبات نامشروع بودن شرط حق تعدیل وجه التزام را دارد.
تعدیل زمانی (تمدید مدت)	نظریه اوضاع و احوال غیر قابل پیش بینی: اگر مدت قرارداد به دلیل حوادث غیر قابل پیش بینی (مانند تورم شدید یا جنگ) نیاز به تمدید یا تغییر پیدا کند، ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر (نظریه اوضاع و احوال متغیر) به قاضی اجازه می دهد قرارداد را تعدیل یا آن را فسخ کند. این نظریه در حقوق پیمانکاری مصر، انعطاف بیشتری برای مدیریت زمان پروژه در شرایط بحرانی فراهم می کند.	فورس ماژور و تقصیر کارفرما: تمدید مدت در صورت وقوع قوه قاهره یا تأخیرات ناشی از کارفرما (بر اساس شرایط عمومی پیمان یا توافقات قراردادی) صورت می گیرد.

رویکرد حقوق ایران و مصر در فسخ قراردادهای مدت نامعین و تعدیل قضایی شروط زمانی با تأکید بر حسن نیت در جدول زیر مورد مقایسه قرار گرفته است:

جنبه تطبیقی	حقوق مصر	حقوق ایران
تعهد مدت نامعین	حق فسخ با اخطار قبلی و صریح (مبتنی بر قانون مدنی).	تمایل به فسخ با اخطار متعارف بر اساس عرف و دکتترین.
تعدیل زمانی قرارداد	تعدیل قضایی در شرایط سخت با استفاده از ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر که ابزاری قوی برای مدیریت شروط زمانی در قراردادهای بلندمدت فراهم می کند.	محدود به قواعد عمومی (مانند قوه قاهره و اسقاط حق) و فاقد مبنای قانونی صریح برای تعدیل قضایی صرفاً به دلیل دشواری اجرا.

به طور کلی، حقوق مصر به ویژه در قراردادهای مستمر و بلندمدت، دارای مبانی صریح قانونی بیشتری برای مدیریت فقدان مدت (از طریق اخطار) و تغییر مدت (از طریق تعدیل قضایی در شرایط

اضطراری) است. در مقابل، حقوق ایران بیشتر بر اصول فقهی و تفسیر عرفی قراردادها تکیه دارد که نیازمند دقت بیشتری در نگارش شروط زمانی است.

۸-۱. شروط زمانی در قراردادهای پیمانکاری و خدمات فنی (ایران و مصر)

شروط زمانی در قراردادهای پیمانکاری و خدمات فنی، به عنوان یکی از ارکان اصلی تنظیم روابط قراردادی، نقش تعیین کننده‌ای در مدیریت ریسک‌های اجرایی و تضمین حسن انجام تعهدات دارند. در این میان، دو موضوع «وجه التزام ناشی از تأخیر» و «تعدیل زمانی به دلیل تغییر اوضاع و احوال» از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در پروژه‌های بلندمدت محسوب می‌شوند. حقوق ایران با تأکید بر اصل لزوم قرارداد و حاکمیت اراده، رویکردی نسبتاً منعطف‌ناپذیر در برابر تعدیل قضایی این شروط اتخاذ کرده است، در حالی که حقوق مصر با پذیرش صریح نظریه «الحوادث الطارئة» و اعطای اختیارات گسترده به قاضی، انعطاف‌پذیری بیشتری برای تطبیق قرارداد با شرایط پیش‌بینی نشده فراهم می‌آورد. حقوق مصر با پذیرش تعدیل قضایی و الحوادث الطارئة، انعطاف بیشتری برای تطبیق شروط زمانی در شرایط غیرمنتظره فراهم می‌کند؛ در مقابل، حقوق ایران بر ثبات قراردادی و عدم دخالت قضایی در تعدیل تأکید دارد و بیشتر به توافق طرفین و قواعد فقهی تکیه می‌کند. این تفاوت در پروژه‌های عمرانی طولانی مدت (مانند بحران‌های اقتصادی یا همه‌گیری‌ها) تأثیر قابل توجهی بر مسئولیت پیمانکار دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی نقش شروط زمانی در عقود مستمر میان دو نظام حقوقی ایران و مصر، حاکی از رویکرد متمایز در مواجهه با ریسک‌های زمانی و حفظ تعادل اقتصادی در قراردادهای بلندمدت است. در حقوق ایران، با تکیه بر مبانی فقه امامیه و اصل لزوم قراردادها، رویکردی باثبات‌تر حاکم است. در این نظام، زمان گاه به عنوان رکن صحت عقد تلقی شده و مکانیسم‌های انعطاف‌پذیر تعدیل تعهدات در مواجهه با تغییرات پیش‌بینی نشده (مانند تورم شدید، تحریم‌ها یا بحران‌های کلان) توسعه نیافته است. فسخ قرارداد اغلب به عنوان چاره‌ای کلی نگر و با آثار گسترده در نظر گرفته می‌شود و دخالت قضایی برای تعدیل شروط یا تعادل مجدد عوضین، به موارد استثنایی و مضیق (مانند عسر و حرج شدید) محدود می‌گردد. افزون بر این، در حقوق ایران حق فسخ ناشی از نقض شروط زمانی، حقی ثانوی طبق ماده ۲۳۹ قانون مدنی منوط به ناکامی در الزام متعهد است و قاضی طبق ماده ۲۳۰ قانون مدنی حق تعدیل وجه التزام را ندارد. در صورت نقض جزئی تعهدات ناشی از شروط زمانی، طبق ماده ۲۷۷ قانون مدنی اصل بر عدم تجزیه‌پذیری و فسخ کل قرارداد است و تجزیه‌پذیری تنها با توافق صریح طرفین امکان‌پذیر است. این رویکرد اگرچه به ثبات بودن و قطعیت روابط قراردادی می‌انجامد، اما در عمل و به‌ویژه در مواجهه با

شوکت‌های اقتصادی گسترده، منجر به انباشت ریسک، افزایش فزاینده دعاوی (که طبق آمارها سهم قابل توجهی از پرونده‌ها را تشکیل می‌دهد) و درنهایت اختلال در اجرای پروژه‌های کلان ملی و خسارت به منافع عمومی است.

در مقابل، حقوق مصر با رویکردی اجرایی و عدالت‌محور، ابزارهای انعطاف‌پذیر و متنوع‌تری را در اختیار طرفین و مرجع قضایی قرار می‌دهد. در این نظام، زمان عمدتاً به‌عنوان مهلت انجام کار نگریسته می‌شود، نه یک شرط انحلال دهنده. تمایز بنیادین میان اجل (حتمی‌الوقوع) و شرط (احتمالی) در ماده ۲۶۵ و ۲۷۱ قانون مدنی مصر، مبنای تصمیمات قضایی در خصوص بقا یا انحلال قرارداد است. در حقوق مصر، حق فسخ برای متعهد له حقی اولیه و طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی هم‌عرض با الزام به اجراست و قاضی طبق ماده ۲۲۴ قانون مدنی اختیار تعدیل وجه التزام و نیز تعدیل تعهدات طاقت‌فرسا ناشی از حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی طبق ماده ۱۴۷ قانون مدنی را دارد. همچنین در صورت نقض جزئی شروط زمانی، قاضی می‌تواند حکم به فسخ جزئی دهد و طبق ماده ۱۵۷ قانون مدنی از انحلال کل قرارداد جلوگیری کند. هنگامی که رویدادهای غیرقابل‌پیش‌بینی (مثل بحران اقتصادی یا حوادث طبیعی و...) رخ می‌دهد، این نظام ترجیح می‌دهد به‌جای فسخ کلی قرارداد، حکم به بقای آن دهد. تحلیل مبنایی عنصر غرر در فقه امامیه و حقوق ایران، با تأکید بر بطلان معاملات غرری، در مواردی ثبات قراردادها را تهدید می‌کند؛ درحالی‌که رویکرد تعدیلی حقوق مصر و حقوق نوین ایران با تفکیک میان غرر مؤثر و غیر مؤثر، زمینه را برای حفظ قراردادها فراهم می‌آورد. همچنین در قراردادهای بدون مدت، حقوق مصر با اعطای حق انحلال یک‌جانبه مشروط با استناد به ماده ۵۶۳ قانون مدنی به اخطار قبلی، راهکاری منعطف برای خروج از تعهدات دائم ارائه می‌دهد که در حقوق ایران جز در عقود جایز، پیش‌بینی نشده است.

به‌نظر می‌رسد با توجه به ماهیت بلندمدت، پیچیده و پر ریسک قراردادهای مستمر مانند EPC و BOT که ثبات اقتصادی و توسعه ملی به اجرای بهینه آن‌ها وابسته است، رویکرد حقوق مصر به دلیل کارآمدی عملیاتی بیشتر و توجه به عدالت معاوضاتی در شرایط متغیر، راهبردی‌تر و مناسب‌تر است. در حقوق ایران برای کاهش هزینه‌های اقتصادی و قضایی و تضمین اجرای پایدار پروژه‌های زیرساختی، نیازمند بازنگری است. بهتر است در نظام حقوقی ایران ملهم از ماده ۱۴۷ قانون مدنی مصر و در چارچوب ظرفیت‌های موجود اصولی مانند «الاضرر» و «عسر و حرج» و مواد ۱۰ و ۲۱۰ قانون مدنی و سایر ظرفیت‌های فقهی و حقوقی، امکان مداخله قاضی برای تعدیل شروط زمانی یا حتی مالی در مواجهه با حوادث عمومی و غیرمترقبه که توازن بنیادین قرارداد را به هم می‌زند، فراهم آید. علاوه بر آن، اصلاح مواد ۲۹ و ۳۰ شرایط عمومی پیمان و نیز قانون معاملات دولتی به گونه‌ای که سازوکارهای روشن‌تری برای تمدید زمان در موارد فورس‌ماژور گسترده، بازنگری در مهلت‌ها و حتی فسخ جزئی پیش‌بینی کند. درنهایت تفسیر مضیق شروط زمانی به نفع بقای عقد و ترجیح

مکانیسم‌های تعدیل بر فسخ کلی، راهکاری است که همسو با منافع ملی در پروژه‌های مستمر و بلندمدت است. حرکت نظام حقوقی ایران از الزام‌محوری صرف به سمت ترکیبی از لزوم و انعطاف‌پذیری عادلانه، نه تنها از انباشت ریسک و تضییع حقوق طرفین می‌کاهد، بلکه ضامن ثبات اقتصادی پایدار و اجرای بهینه قراردادهای کلان ملی خواهد بود.

کتابنامه

قرآن کریم

اعلایی فرد، محمدعلی (۱۳۸۴). اصول حاکم بر قراردادهای پیمانکاری دولتی. مجله حقوقی عدالت آراء، ۱.

امامی محمد؛ استوارسنگری، کورش (۱۳۷۶). عوامل مؤثر در اجرای قراردادهای اداری پیمانکاری دولتی. مجله کانون و کلا، ۱۲ (۱۶۹ و ۱۶۸).

امامی، حسن (۱۳۷۷). حقوق مدنی. ایران، تهران: کتاب‌فروشی اسلامییه.

امیری قائم‌مقامی، علی (۱۳۵۳). حقوق تعهدات (نظریه کلی قانون مدنی). ایران، تهران: چاپ و انتشارت دانشگاه تهران.

انصاری، ولی‌الله (۱۳۹۰). کلیات حقوق قراردادهای اداری. ایران، تهران: نشر حقوق‌دان.
باریک‌لو، علی‌رضا (۱۳۹۳). تأثیر شرط بر وضعیت عقد. مطالعات اسلامی فقه و اصول، ۴۶ (۴۹).
بهشتی، جعفر (۱۳۸۴). روابط صنعتی و روابط کار. ایران، تهران: انتشارات نگاه دانش.
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ق). ق. صحاح اللغة. لبنان، بیروت: دارالعلم للملایین.
حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ ق). وسائل الشیعه. لبنان، بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع).
حرعاملی، محمد بن حسن (۱۹۸۷). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. لبنان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

زمانی، قاسم (۱۳۸۵). تعیین خسارت در قراردادهای تعهدات. ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.

سنجایی، کریم (۱۳۴۲). حقوق اداری ایران. ایران، تهران: انتشارات زهره.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۴). تشکیل قراردادهای تعهدات. ایران، تهران: انتشارات مجد.

صفایی، حسین (۱۳۹۰). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادهای تعهدات. ایران، تهران: انتشارات میزان.
ضیایی، محسن (۱۳۸۴). قراردادهای بین‌المللی و نقش دولت در آن. ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران (سمت).

طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰). حقوق اداری. ایران، تهران: چاپ و انتشارات دانشگاه تهران (سمت).
الفجال، عادل عبدالمجید (۲۰۲۰). احکام اعمال الاثر الرجعی لبطلان و فسخ العقد الايجار. مجله الروح

القوانین، ۹۰.

فروچی، مرتضی (۱۳۸۹). مسئولیت پیمانکاری در قراردادهای پیمانکاری با توجه به شرایط عمومی پیمان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۳۶۶). قاموس المحيط. لبنان، بیروت: دار الجیل.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها. ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها، ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷). قواعد عمومی قراردادها. ایران، تهران: گنج دانش.

محسنی، سعید (۱۳۹۳). تأثیر شرط بر وضعیت عقد. مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۴۶ (۹۸).

محسنی، عباس (۱۳۷۸). بررسی قوانین و مقررات مالی. ایران، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.

محمدی، علی (۱۳۸۵). شرح کفایه الاصول. ایران، قم: انتشارات الامام حسن بن علی (ع).

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.

ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات اصول. ایران، قم: نشر عالمه.

میرعباسی، اسماعیل (۱۳۹۰). اصول حاکم بر قراردادهای دولتی. فصلنامه پژوهش نامه حقوق دان، ۴ (۵۱).

نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. لبنان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

وکیلی مقدم. محمدحسین (۱۴۰۱). مبانی و اصول عامه عقود مستمر. مطالعه تطبیقی فقه اسلامی، حقوق ایران و غرب، ۹ (۴).